

بزرگ دیگر هر چه می تواند می کند. فریب می خورد اما فریب نمی دهد. شکست او مهم نیست، خفایت او مهم است. جنگ او بارستم جنگ نوآوری و محافظه کاری است. نکته این که سهراب نوآور فرزند آن محافظه کار است. یعنی که نو زاده کهن است.

این داستان رستم، پهلوان پهلوانها را از نظر اخلاقی درهم می شکند تا با یک تبر دوشان زده باشد؛ هم قهرمان شکنی کرده باشد و هم بهما بگوید که رستم با آن مقام برین درمسأله قدرت، کسی است مانند دیگر قدرتمندان. و آیا این اشاره بدان نیست که شکستن حصار «دیوان سالاری» بزرگترین و مهمترین پیروزیهای بشری است؟

رد پای «فاجعه توانائی» را در داستان جمشید نیز می بینیم که چون فرمانروائی بر او مسلم شد، به سبب فزون خواهی کاوش به تباهی کشید. و از آن نمایان تر در داستان کیخسرو که چون افراسیاب تبهکار را ناپود کرد و داد را در همه ایران شهر گسترده. از «فاجعه توانائی» هراسید و خود را در قلمروی ناشناخته گم کرد تا آن آز را نیز با خود ناپود کرده باشد.

جلب است که در ادبیات بهتاور یونان باستان هیچ نمایشنامه یا اثری سراغ نداریم که محو اصلی آن مسأله قدرت باشد، و این، تحمین ما را برای آفرینندگان داستان عمیق سهراب بیشتر برمی انگیزد.

□



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

دیگرگوئیهای شعر معاصر عرب

مصطفی بدوی

ترجمه

محمد رضا شفیعی کدکنی

این مقاله، ترجمه مقدمه ای است که نویسنده بر کتاب برگزیده شعر معاصر عرب چاپ بیروت ۱۹۶۹ (به اشتراك دانشگاه اکسفورد) نوشته که انتخابی است هوشیارانه از تمام جریانات شعر عرب در قرن اخیر. مترجم در جستجوهای که در این باب داشت، این مقاله را در حجم اندکی که دارد بسیار فشرده و پر مطلب تشخیص داد و به ترجمه آن پرداخت. توضیحاتی که در پای صفحات افزوده شده، همگی از آن مترجم

است و در حدودی است که برای خواننده فارسی زبان، در بعضی موارد لازم می‌نماید. نویسنده مقاله، دکتر مصطفی بدوی از جمله ناقدان و ادیبان مصری است که در دانشگاه اسکسفورد سرگرم تحقیق و مطالعات است و نوع انتخاب و داوریهایش نشان دهنده هوش و اطلاع اوست.

همه می‌دانند که شعر معاصر عرب، همچون دیگر شاخه‌های ادب این زبان، تدریجاً و به‌کندی، در نتیجه درگیری میان ارزشهای قرون وسطایی - که تا پایان قرن هجدهم بر جهان عرب حکمفرما بود - و ارزشهای فرهنگی تازه‌ای که ملت عرب از اروپای جدید - پس از برخورد با اروپا، در نتیجه حمله فرانسه^۱ به مصر - به دست آورده بود، به‌علاوه آمده است و بی‌هیچ گمان داستان این برخورد - دست کم در خطوط گسترده آن - بر او خواننده عرب زبان شناخته است.

کافی است به این نکته اشاره شود که در همان هنگام که مبلغان اروپایی و آمریکایی آیین مسیح، اندیشه اروپایی را در لبنان نشر می‌دادند، فکر اروپایی به مصر نیز داخل شد؛ به‌عنوان نتیجه غیر مستقیم و غیرارادی اصلاحات محمد علی پاشا^۲ که هیچ غرضی نداشت جز استفاده از صنعت جدید اروپا، آن هم به‌نصبت تقویت سپاه خود و به‌خاطر تحقّق بخشیدن به مقاصد نظامی خویش.

در میان دسته‌های جوانان عرب، که در گروه‌های آموزشی، برای فراگرفتن اسرار صنایع جدید، به اروپا نرسیده می‌شدند، بعضی با گذشت زمان تا حدی از این ارزشهای فرهنگی و فکری - که پیوند استواری با این صنایع داشت - متأثر شدند. با اینهمه گرفتار شیوه‌های ادبی اروپا، هنگامی آغاز شد که زمان درازی از اخذ صنایع اروپایی، و حتی اخذ شیوه‌های تفکر اروپایی گذشته بود.

شاید شگفت‌آور باشد که بگوئیم عربها تا مدتی دراز، از فکر سیاسی اروپایی متأثر بودند اما از ادب اروپایی، از شعر و داستان و نمایشنامه متأثر نشدند. اما هر که در این مسأله تأمل کند چیزی که موجب شگفتی باشد نمی‌یابد زیرا پذیرفتن ادبیاتی بیگانه - که کاملاً از آنچه در ادب بدان خوگر شده بودند دور بود - دشوار می‌نمود، چرا که ادب فرآورده فرهنگی بسیار پیچیده‌ای است که از جزئیاتی بسیار دقیق حاصل شده و برای احسان آن، تنها شناخت کامل و مستقیم زبان بیگانه‌ای که بدان زبان نوشته شده، کافی نیست بلکه برای کسی که روی بدان ادب می‌آورد لازم است که آن تمدن بیگانه را درخویش

۱- حمله ناپلئون به فرانسه در ۱۷۹۷، نقطه تحولی است در بسیاری از زمینه‌های سیاسی اجتماعی مصر و در نتیجه بسیاری از سرزمینهای عربی. وضع مصر قبل از حمله ناپلئون بسیار عقب افتاده و رقت‌آور بود مردم از هر جهت بی‌خبر و خواب‌آلود.

۲- محمد علی پاشا (۱۷۲۰-۱۸۴۹) مؤسس آخرین سلسله پادشاهی در مصر. اصلاً از مردم آلبانی بود و بیسواد، در چهل و پنج سالگی خواندن و نوشتن آموخت، وی در دفاع از حکومت عثمانی با حکومت سعودی در حجاز درگیریهایی بسیار داشت و اقدامات چشم‌گیری در حوزه اخذ تمدن فرنگی در مصر انجام داد. تاریخ تحولات اجتماعی و ادبی در مصر، با نام او همراه است.

احساس کند تا نوع حساسیت او دگرگون گردد و ازین راه بافضای کهن هماهنگ شود، حتی ببلد دوباره از نو آماده شود، تا قدرت راستین پذیرش این فرآورده ادبی را داشته باشد. این نکته را هم باید افزود که عربها، هنگامی که با تمدن جدید اروپا آشنا شدند، خود، در حوزه ادبیات، بی میراثی نبودند، بلکه بعکس احساس می کردند که دارای میراث فرهنگی و ادبی بسیار ثروتمندی هم هستند که هر روز توجه و اهمیت بخشیدن به آن میراث افزونتر می شد و بر اثر کوشش محققان و خاورشناسان، از پرد، فراموشی بیرون می آمد. از این روی بود که عربهای مغرور به میراث خود، لازم ندانستند که اندیشهها و احساسات خود را در اسلوبهایی غیر از اسالیب ادب کلاسیک عرب بریزند.

اما عوامل تازه دیگری هم در این جا به چشم می خورد که با گذشت زمان روی درافزونی داشت و سرانجام سبب شد که تغییر کاملی در طرز دید و روشنفکران عرب درباره شعر، و ادب به طور کلی، پدید آید. از میان این عوامل باید به طور ویژه، از رشد تعلیم و تربیت جدید سخن به میان آورد. تعلیماتی که به تدریج جای تعلیمات کلاسیک دینی را، که در مدارس و مؤسسات مذهبی رواج داشت - و اساس آن بر تعالیم قرون وسطایی استوار بود - می گرفت و نیز باید از افزونی نسبت تحصیل کردهها و گسترش چاپ و رونق مطبوعات و روزنامهها یاد کرد که دو نتیجه سبب گسترش زبان گردید و آن را به گونه وسیله ای برای ادای مقصود انسان معاصر در آورد. همچنین از رشد جنبش ترجمه و نقل و گسترش آفاق آن باید سخن گفت که از مرز موضوعات علمی و صنعتی گذشت و آثار ادبی را نیز شامل شد و سرانجام باید از نشر اندیشههای سیاسی غرب سخن گفت که موجب پیدایش جنبشهای ملی گردید و در نتیجه تمایل به ایجاد نوعی ادبیات میهنی جدید در زبان عرب به وجود آمد، به جای اینکه تنها به ادب کلاسیک عربی اکتفا شود.

در نتیجه این عوامل بهم آه یخته بود که با گذشت زمان - و در هر جای که تناسب خود - شیوههای ادبی جدید اروپایی، اندک اندک، جانشین ادبیات کلاسیک عرب شد. اگر اکنون به ادبیات معاصر عرب توجه کنیم و آن را با ادبیات قرن هجدهم یا نهم اول قرن نوزدهم مقایسه کنیم تفاوتی آشکار در میان آنها خواهیم یافت. زیرا شکلهای رایج و حاکم - بر ادبیات، برجسته - در آن روزگار عبارت بود از مقامه، قصیده کلاسیک یا همان هدفهای شناخته شده ای که ناقدان قرون وسطی آن را در «مدیخ» و «رثاء» و «نخر» و «هجاء» و «غزل» و «توصیف» و «اخلاق» محدود کرده بودند. اما امروز نمایشنامه داریم، داستان و داستان کوتاه و مقاله را در نثر داریم (و اینها شکلهایی است که در ادب کلاسیک ما شناخته نبوده و آثار مستقیماً از غرب گرفته ایم) اما در زمینه شعر، آنچه امروز سروده می شود، به شدت تحت تأثیر شعر غربی است و هیچ ارتباطی با نصیده کلاسیک ندارد. بازوال پدیدههایی از مقوله امیر و والی - که شاعران را به دربار خویش فرا می خواندند و عطایای بسیار بدیشان می بخشیدند تا ایشان را ستایش کنند و کارهای آنان را تحکیم کنند و نامشان را جاودانه - آن هدفهای کلاسیک شعر از قبیل مدیخ نیز - که قرنهای فرمانروا بود - از میان رفت. امروز جای امیر را طبقات متوسط ملت گرفته و شاعر و ادیب از

خلال مجلات و کتابها، که گسترش تعلیم و تربیت و گسترش چاپ، سبب توسعه آنها شده است، طبقات متوسط ملت را مخاطب قرار می دهند.

در نتیجه این امور بود که ادبیات عرب، شعر و نثر، اندک اندک آن صبغه اشرافی خویش را از دست داد و موضوعات عمومی یا مسائلی که اکثریت مردم به آن توجه دارند، جای آن هدفهای کلاسیک را گرفت. به جای مقامه یا رساله‌ای که فقهی به فقهی دیگر می نوشت، و به جای شعر فخر و مدیح، امروز، داستانهای اجتماعی نجیب محفوظ^۲ یا نمایشنامه‌های توفیق الحکیم^۴ را داریم که مسأله‌ای از مسائل اجتماعی را بررسی می کند یا شعرهای البیاتی^۵ و سیاب^۶ و عبدالصبور را داریم که حاشیه‌ای است بر مسأله‌ای از مسائل زندگی، خواه سیاسی و خواه اجتماعی.

این دگرگونی که در شکل و موضوع ادبیات به وجود آمد سبب شد که در مفهوم ادبیات و وظیفه شاعر و ادیب نیز دگرگونی حاصل شود. امروز، دیگر، شاعر و نویسنده عرب خود را صنعت کاری نمی شناسد که با کلمه سر و کار دارد، چرا که احساس شاعر و نویسنده شخصاً، خواه از نظر سیاسی و خواه از نظر روانشناسی، رشد کرده و بالیده است همانگونه که احساس او نسبت به مکان و وظیفه او نسبت به جامعه‌ای که بدان وابسته

۳- داستان نویس بزرگ و بسیار معروف مصری که آثارش به اغلب زبانهای زنده جهان ترجمه شده و بیشتر در حوزه توصیف زندگی دهقانان مصری آثار خود را پرداخته است. نجیب محفوظ
رمانهای بسیاری دارد که از آن جمله می توان قاهره نو، خان التخلیلی سراب، آغاز و انجام و میراها را نام برد.

۴- نمایشنامه نویسی بسیار معروف مصر که در نسل خود، موفق ترین نمایشنامه نویسی عرب بشمار می رود. آثارش به اغلب زبانهای زنده جهان ترجمه شده است معروفترین آثار او عبارت است از غلادینیان، سلیمان حکیم؛ شهرزاد و سلطان سرگشته.

۵- عبدالوهاب البیاتی، متولد ۱۹۲۶ شاعر طراز اول امروز عرب که آثارش به بسیاری از زبانهای زنده جهان از قبیل روسی، فرانسه، انگلیسی، اسپانیایی، چک، و... ترجمه شده است. بر گزیده‌ای از شعرهای او به قلم مترجم این مقاله، تحت عنوان آوازه‌های سند باد (تهران ۱۳۴۸، انتشارات نیل) ترجمه و نشر شده است. او نماینده برجسته واقعگرایی اشتراکی در شعر معاصر عرب است و تأثیری چشم گیر در شعر دوده اخیر عرب داشته است. رجوع شود به کتاب مأساة الانسان المعاصر فی شعر عبدالوهاب البیاتی که نمونه‌هایی از مقالات و داوریهای ادیبان و شاعران جهان درباره او در آن وجود دارد.

۶- بدرشاكر السیاب (۱۹۲۶-۱۹۶۴) یکی دیگر از شاعران مکتب واقعگرایی اشتراکی در ادب معاصر عرب است وزن جدید شعر عرب (عروض آزاد، نظیر کاری که نیما در شعر فارسی کرده) گویا نخستین بار به وسیله او تجر به شده است. اگر چه نازک الملائکه، شاعره معاصر عرب، در این وادی تجربه‌ای همزمان با تجربه السیاب داشته است. رجوع شود به تقضایا الشعر المعاصر نوشته خانم نازک الملائکه چاپ سوم، صفحات ۲۳ به بعد و رجوع کنید به کتاب بدرشاكر السیاب تألیف دکتر احسان عباس، بیروت ۱۹۷۰.

است رشد و نمو کرده است. از این روی، خواننده از وی توقع دارد که دارای رسالتی خاص باشد و طهارت هنری را در شخصیت خویش تحقق بخشد و بازرگانی نباشد که کالای سخن خویش را در معرض بیع هر کس، که بهای بیشتری بپردازد، قرار دهد و در خدمت مسأله‌ای از مسائل درآید که حقیقتاً ایمانی بدان ندارد.

بنابراین، صداقت و صمیمیت هنرمند، امروز، مهمترین شرطی است که شاعر و ادیب با آن سروکار دارند. از این روی می‌بیشیم تمام آثار ادبی امروز ما، شعر و نثر، یا مستقیم و صریح و یا از رهگذر رمز و اشاره، همه مسائلی را که امروز خاطر اعراب را در نتیجه برخورد و درگیری با غرب بخود مشغول می‌دارد، در خود منعکس می‌کند؛ از قبیل جستجو از عوامل سازنده ملیت عرب و انسان عربی در روند تمدن جهانی، تمدنی که با سرعت چشم بهم زدن در حال دگرگونی است، با همه پیچیدگیها و زمینه‌های روانی مبهمی که این جستجو دارد و با همه تأملها و تحلیلها و سنجشها و پربشانیهایی که دارد.

این است، طرحی بسیار کوتاه از وضع ادبی موجود ما و این آخرین مرحله‌ای است که ما در دگرگونیهای تاریخ ادبی خود به آن رسیده‌ایم، و بی‌گمان اشتباه بزرگی خواهد بود اگر متوقع باشیم که این وضع را در آغاز قرن نوزدهم و حتی نیمه اول این قرن می‌داشتیم.

شعر عرب، پس از برخورد اعراب با غرب، روزگاری دراز به همان راهی که در قرن هجدهم می‌رفت ادامه داد، همان تقلید و عدم اصالت و حرص بر مبالغه و افراط در استخدام صنایع لفظی و بازی با کلمه؛ که در مصر بر شعر شیخ حسن عطار^۷ و علی سید درویش^۸، مثلاً، حاکم بود، در شام نیز بر شعر پطرس کرامه^۹ و حاج عمرانسی^{۱۰} قریب‌تر و ابود. موضوعات شعری این گروه نیز، همان هدفهای کلاسیک بود، از قبیل مدیح حاکمان و تقریظ برای دوستان و تاریخ مناسبات با اسلوب منظوم و ریکی که از هر نوع عاطفه‌ای تهی بود. تصویرهای شعری نیز تقلید صرف بود که از رهگذر دید و تجربه اصلی حاصل نشده بود، تشبیهاتی که در هر قصیده پشت سر قصیده دیگر می‌توان دید؛ چهره معشوق همچون ماهتاب است، دندانهای مروارید، خرامیدنش چون آهواست و قامتش چون درخت بان^{۱۱} و نگاهش مثل

۷- شیخ حسن عطار (۱۷۷۶-۱۸۳۵) اصلاً از مردم مراکش بود ولی در قاهره متولد شد و در همین شهر درگذشت مدتی متصدی مجله الوقایع المصریة بود و بعداً شیخ‌الآزهر شد. علاوه بر دیوان شعر، مجموعهٔ منشآت او هم باقی است که چاپ شده است.

۸- علی بن حسن، معروف به درویش (۱۷۹۶-۱۸۵۳) شاعر و ادیب مصری، شاعر دربار خدیو مصر، عباس اول، بود علاوه بر دیوان شعرش که چاپ شده، آثاری در ادب از او باقی است.

۹- پطرس کرامه (۱۷۷۳-۱۸۵۱) از شاعران سوریه، متولد حمص. زبان ترکی را خوب می‌دانسته و در استانبول یک‌چند مترجم بوده است. دیوان شعرش چاپ شده است.

۱۰- عمرانسی (۱۸۲۱-۱۸۷۶) شاعر و ادیب لبنانی، کارش قضاوت بود. دیوان شعرش چاپ شده. در بیروت متولد شد و در همین شهر درگذشت. شعرش سرشار از صنعت است.

۱۱- درخت بان، در شعر عربی، همان نقشی را دارد که سرو در ادبیات فارسی دارد. نماینده قامت معشوق است.

تیر جانسکار تا پایان این بازی. وهیچ تفاوتی میان این دسته از شاعران و شاعران قرن هجدهم از قبیل: عبدالله ادکای^{۱۲}، مصطفی دمیاطی^{۱۳}، یاصلاحی^{۱۴} وجود نداشت. حتی در میان ایشان کسی نبود که به پایگاه شیخ حسن بدی حجازی^{۱۵} برسد که دست کم در اوایل قرن هجدهم مقداری نظم اجتماعی سروده است.

حقیقت امر این است که دو پیشرو اصلی جنبش ادبی عرب، عبارتند از: شیخ ناصیف یازجی^{۱۶} و محمود سامی بارودی^{۱۷} و خصوصیت بارز اسلوب ایشان در بازگشتی است که آگاهانه به سبک شاعران کلاسیک قرون وسطی، بخصوص عصر عباسی، دارند. سهمی که یازجی در این جنبش دارد، بیش و کم یک سهم منفی است؛ زیرا یازجی از اصالت و تخیل سرشار، برخوردار نبوده است. با اینهمه خدمتی بزرگ به شعر عرب کرده است زیرا در تصفیة زبان شعر و شستشوی آن از مبالغه و افراط در صنایع و تصنع سهمی دارد همانگونه که وی با آگاهی کاملی که از راز و رمزهای زبان داشت، از مستی رایج در زبان شعر - که میراث دوران انحطاط بود - نیز کاست و مقداری از پختگی در عبارت را دیگر بار به زبان شعر عرب بازگردانید. با همه تسلطی که یازجی بر زبان داشته، باز باید او را یک شاعر مقلد محض بشماریم، شاعری که مقلدانه همه تصاویر شعری خود را از صحرای می گیرد و در آثار او کوچکترین نشانی از اینکه شاعرش در قرن نوزدهم می زیسته، نمی توان یافت. شعری است که صنعت و تقلید قدما بر سراسر آن سایه افکنده و هیچگونه پیوندی میان شعر یازجی و تجربه هایی که وی در زندگی اجتماعی داشته ندارد. تجربه هایی عاطفی که نبض زندگی در آن تپش داشته باشد.

اما وضع بارودی، درست بر خلاف یازجی است. زیرا وی توانایی آن را داشته

۱۲ - ادکای، عبدالله بن عبدالله (۱۶۹۲-۱۷۷۰) ادیب مصری معروف به مؤذن. تألیقات بسیاری در حوزه ادب کلاسیک عرب دارد. دیوان شعرش نیز باقی است.

۱۳ - دمیاطی، مصطفی بن علی (۱۸۷۰-۱۹۴۰) ادیب و فقیه و روزنامه نویس. از نویسندگان مجله الاظهر و فارغ التحصیل دارالعلوم چند سال در پاریس بود و بیشتر به کار وکالت دعاوی می پرداخت.

۱۴ - محمد بن رضوان، معروف به ابن الصلاحی (۱۷۲۷-۱۷۶۶) شاعر مصری از مردم اسیوط.

۱۵ - ظاهراً منظور نویسنده حسن بن علی بدی، (وفات ۱۷۹۹) از شاعران سوریه است که علاوه بر دیوان شعر آثار دیگری در حوزه ادبیات آزاد باقی است.

۱۶ - ناصیف بن عبدالله یازجی (۱۸۰۰-۱۸۷۱) از بزرگترین ادیبان و شاعران قرون اخیر عرب. متولد «کفرشیما» در لبنان و متوفی در بیروت، آثار او شهرت و انتشار بسیار دارد و اغلب چاپهای متعدد شده است.

۱۷ - محمود سامی البارودی (۱۸۳۹-۱۹۰۴) اصلاحچر کسی نژاد است. در مدرسه نظامی قاهره تحصیل کرد و از افسران ارتش مصر بود و در وزارت خارجه اشتغال داشت. فارسی و ترکی و انگلیسی را خوب می دانسته. وی یکی از سرداران نهضت ملی مصر بشمار می رود. در جنگ مصر و انگلیس، انگلیسها او را به سیلان تبعید کردند و در ۱۹۰۰ مورد «عفو» واقع شد و به میهن خویش بازگشت.

که میان تجربه‌های شخصی خود و زبان‌شسته و پاک شاعران عصر عباسی، امثال متنبی^{۱۸}، پیوندی برقرار کند، آنهم باشیوه‌ای که گاه گه محیطی را که در آن زیسته تصویر کرده است. بارودی توانسته است در آثار خوب خود، نوعی از شعر به وجود آورد که خالی از صنعت است و تصویری نیرومند و مستقیم از ذهنیات تند و شخصیت جوشان اوست. ازین روی، حقا، نهضت شعر جدید عرب، با بارودی، آغاز می‌شود زیرا اوست که شعر را از مرحله بازی با کلمات و اندیشه‌های کودکانه فراتر برد و در آثار خویش به تجربه‌های مستقیم و شخصی خود پرداخت و بدینگونه، پس از قرن‌ها انحطاط - که گریبانگیر شعر عرب بود - و پس از بیماریهای گوناگون - که از همه خطرناکتر نغمه و پستی معانی بود - بار دیگر میان شعر و زندگی پیوندی برقرار کرد.

کلاسیک‌ها

هنگامی که می‌کوشیم تاراهی را که شعر جدید عرب در تحول خود پیموده، دریابیم احساس می‌کنیم که شعر جدید تاکنون چند مرحله را پشت سر گذاشته است، مراحلی که هر کدام از دیگری به نحوی آشکار جداست، اگرچه از نظر تاریخی ممکن است مرز این دوره‌ها چندان نمایان نباشد و نتوان حوادث معینی را مرز و فاصله میان این دوره‌ها قرار داد.

مرحله نخستین را، که آثار بارودی در طلیعه آن قرار دارد، می‌توان دوره کلاسیک‌های جدید خواند، یا دوره تقلید. در این دوره غربها وجود خود را اثبات می‌کنند و موقعیت و شخصیت فرهنگی خود را - که دستخوش تأثیرات نیروهای بیگانه است - احساس می‌کنند و بدینگونه به گذشته ادبی خود پناه می‌برند و نمونه عالی و برجسته شعر و ارزشها را در آن دوره‌ها می‌جویند و گاه گاه در شعرهای خود از آن الهام می‌گیرند.

هیچ جای شگفتی نیست که تا مدتی نزدیک به زمان ما، بسیاری از شاعران عرب به همین مکتب شعری پیوند داشتند، و این مکتب شاعران بسیاری دارد که برجسته‌ترین آنها شپارتند از: احمد شوقی^{۱۹}، حافظ ابراهیم^{۲۰}، در بصر و جمیل صدیقی الزهاری^{۲۱} و معروف

۱۸ - ابوالطیب احمد بن حسین متنبی (۳۰۳ - ۳۵۴ ه.ق.) یکی از دوسه شاعر طراز اول تاریخ ادبیات عرب، و به عقیده بسیاری از ناقدان، بزرگترین شاعر عرب زبان. بسیاری از ابیات او، بعلت بلندی معانی و حسن بیان و ابجاز و فشردگی ضرب‌المثل است. در کوفه متولد شد، چون در بادیه «سماوه» دعوی پیغمبری کرده بود و جمعی بدو گرویده بودند به متنبی (کسی که خود را به پیغمبری زده، دعوی نبوت دارد) مرفشد. از روزگار او تا امروز در ادب عرب، هیچ شاعری به اندازه او مورد نقد و تحلیل و بحث و مقایسه قرار نگرفته است. کارش در بسیاری جهات شبیه سعدی است و در این اواخر کتابی توسط یکی از فضلاء عراق به نام دکتر حسن علی محفوظ نوشته شد که نویسنده مدعی بود سعدی بسیاری از معانی و اندیشه‌های خود را از متنبی گرفته است و تاحدی هم این دعوی او قرین حقیقت بود.

۱۹ - احمد شوقی (۱۸۶۸ - ۱۹۳۲) شاعر بزرگ قرن اخیر مصر، نژادش ترکیبی از عرب و ترک و ایرانی (کرد) و یونانی بود. فارغ التحصیل دانشکده حقوق قاهره. یک چند در فرانسه بود و چندی هم در اسپانیا به تبعید بسربرد. در اسپانیا شعرهای بسیاری، با تأثر از بقایای تمدن اسلامی در آن دیار سروده است. وی در ادب عرب عنوان امیر الشعراء دارد. با اینکه از

مصافی ۲۲ و مهدی جواهری ۲۳ در عراق. وقتی مابین گروه راکلاسیکهای جدید یا مکتب تقلید می‌خوانیم باید توجه داشته باشیم که میان این کلاسیکهای جدید و آنچه در شعر اروپایی قرن هجده کلاسیکهای جدید خوانده می‌شود تفاوت بسیار است. در حقیقت وضع بارودی و پیروان او اندک شباهتی به موقعیت شاعران سبک کلاسیک جدید اروپایی دارد زیرا هر دو دارای زمینه اخلاقی و گه‌گاه تعلیمی هستند اما جهت اختلاف آنها در این است که مکتب بارودی و پیروان او، بر بنیادی فلسفی استوار نیست که مثلاً، بر اساس نظریه‌های خاص نقش عقل و تخیل را در شعر بررسی کند و هدف شعر را در طرح کلیات بداند نه در جزئیات. با اینهمه بارودی و کلاسیکهای جدید عرب، با مشابهان خود در شعر اروپایی، در این نکته مشارکت دارند که معتقدند شعر دارای معیارها و قوانین ابدی است یعنی معیارهایی که بر تمام پدیده‌های شعری - صرف نظر از شرایط تاریخی - منطبق است و این معیارها در حاصل کار شعری گروهی از شاعران گذشته - که دوران طلایی ادبیات است - تحقق پذیرفته و شکل گرفته، از این روی وظیفه شاعر جدید این است که حاصل کار آنان را، به گونه‌ای خلاق، تقلید کند؛ همانگونه که شاعران اروپایی معیارها و نمونه‌های برجسته

→ پاسداران سنت کلاسیک در ادب عرب بشمار می‌رود، او را باید پیشوای شعر در ایمی (نمایشی) در ادب معاصر عرب به حساب آورد.

۲۰- حافظ ابراهیم (۱۸۷۱-۱۹۳۲) از يك پدر مصری و يك مادر ترك متولد شد. شاعر و سیاستمدار مصری، بنیویان و یکتور هوگو را به عربی ترجمه کرده و دیوانش در سه مجلد به چاپ رسیده است.

۲۱- جمیل صدقی الزهاوی (۱۸۶۳-۱۹۳۶) شاعر بزرگ عراق در قرون اخیر وی ایرانی نژاد (کرد) بود. از پدرش که مردی با فرهنگ و حاکم شرع بغداد بود مقداری شعر به فارسی باقی است. با اینکه جمیل جز در حوزه علوم شرعی، آهنگ به شیوه سنتی، فرهنگی نیا موخته بود ولی بر اثر مطالعه ترجمه‌هایی که از آثار مختلف به ترکی و عربی خوانده بود فکر آزاد و روحی نوجوی داشت. از ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۹ عضو مجلس سنای عراق بود.

۲۲- معروف المصافی (۱۸۷۵-۱۹۴۵) در بغداد از يك خانواده متوسط تولد یافت. پدرش ایرانی نژاد (کرد) بود. يك چنده استاد ادبیات عرب و چندی عضو مجلس مبعوثان استانبول بود. بعد از جنگ اول به عراق آمد و به کار روزنامه نویسی و نمایندگی پارلمان پرداخت. او در عراق بعنوان شاعر آزادی شهرت دارد. شعرش سرشار از مسائل اجتماعی و سیاسی است.

۲۳- محمد مهدی جواهری (متولد ۱۹۰۰) آخرین بازمانده کلاسیکهای بزرگ عرب، شاعر سوسیالیست و انقلابی عراق که با همه نقیدی که به اسلوب کلاسیک دارد، در سراسر کشورهای عربی بعنوان شاعر مسلم و گوینده توانای روزگار ما مورد قبول است. حتی تندترین نوپردازان عرب او را بعنوان بگانه بازمانده موفق اسلوب کلاسیک قبول دارند. وی در نجف متولد شده و در بغداد اقامت داشت، به مناسبت افکار تند انقلابی، همیشه در تبعید و زندان بسر برده و بعد از سالها که در پراگ آواره بود، در ۱۹۶۹ حکومت عراق او را به وطن دعوت کرد و امکانات مالی خوبی برای زندگیش فراهم کرد. دیوانش بارها به چاپ رسیده و طرفداران بسیار دارد. کتابهایی در نقد و تحلیل آثار او نوشته‌اند از جمله رجوع کنید به محمد مهدی الجواهری، در اسات نقدیسه (چاپ بغداد ۱۹۶۹) که به وسیله چند تن از شاعران و ادیبان معاصر تهیه شده است.

کار را از یونان و روم می‌گرفتند، شاعران عرب هم به میراث قدیمی خود، بخصوص شاعران عصر عباسی^{۲۴}، روی آوردند و قصیده عربی باثالیفه واحد و بحر واحد این بنیاد برانراشته‌ای که موسیقی نقش بزرگی در تأثیر بخشی و حالت القایی آن دارد. نمونه‌های اعلی و سرمشق شاعران شد. و می‌بینیم که با دودی و پیروان او، به جای بازی توخالی و پوچ با کلمات، که شاعران دوره انحطاط فریفته آن بودند، می‌کوشند که کلمات را به جای خود بنشانند و دلالت عبارات را هر چه صریح‌تر و مستقیم‌تر کنند، همان کاری که بعدها در شعرشان کرده‌اند. همچنین، ایشان کوشیدند تا زبان شعرشان را شسته رفته‌تر کنند. بسیاری از واژه‌های قدیمی را از نو احیا کردند. این کوشش در راه جزالت الفاظ و حسن تعبیر، ایشان را در حدی قرارداد که هنرشان، در بسیاری از موارد، فقط نوعی صنعت و سخنوری جلوه می‌کند.

توجهی که به شکل داشتند، در موقعیت اخلاقی ایشان نقشی نداشت، و در اکثر موارد شعرشان، شعر تعلیمی خشکی به نظر می‌رسد. شعر ایشان، رو به مرته، شعر به معنی عام آن است که گوینده‌اش همیشه آگاهانه وجود مجموعه‌ای از مخاطبان را پیش چشم دارد و بسیار اندک است مواردی که شاعر به تنهایی با خویش سخن بگوید و به دشواری می‌توان آن رهایی در فضای اثیری تخیل را - که بعدها در آثار رومانیکها می‌توان دید - در شعر ایشان مشاهده کرد.

کوشش نسل دوم مکتب تقلید بیشتر متوجه موضوعات و قضایای عمومی است و از همین لحاظ می‌توان گفت که این دسته توانسته‌اند موضوع دیگری بر موضوعات شعری کلاسیک - که شامل مدح و مرثیه و... بود - بیفزایند و آن عبارتست از: شعر سیاسی و شعر اجتماعی. هر چند شعر اجتماعی چیزی نیست که منحصرآ در آثار این دسته بتوان دید، چرا که بزرگترین شاعران متجدد نیز - با همه اختلاف سبک و دیدگاه - چنین کوششی را دارند. در مصر، مثلاً، شوقی و حافظ شعرهای بسیاری در دفاع از خلافت عثمانی سروداند، با اینکه در عراق - که عثمانیان بر آنجا حکومت داشتند و مردمش ظلم عبدالحمید ثانی را می‌چشیدند - زهادی و مصافی به شدت پرشاه و اعوان او حمله کرده‌اند، اگر چه بهترین نمونه‌هایی که از شعر سیاسی، در این اسلوب به وجود آمده، شعرهایی است که ولی‌الدین یکن^{۲۵} در مصر سروده و در برابر ظلم شاه طغیان کرده است. همچنین ظهور جنبش

۲۴ - منظور دوره درخشان ادب عرب در قرن سوم و چهارم هجری است (عصر عباسی اول) که شعر عرب از نظر سلامت زبان و تازگیهای فکری، در اوج است و در دوره تجدید نرن اخیر، شاعران، می‌کوشیدند همان اسالیب عصر عباسی را که از هر جهت مثل اعلی و نمونه برجسته زبان و فکر و اسلوب بود تکرار و تقلید کنند، شبیه کاری که در عصر قاجار گویندگان دوره به اصطلاح «بازگشت و نهضت» انجام دادند که تمام خوبها را در شعر گویندگان نرن چهارم و پنجم جستجو می‌کردند و در غزل نیز سعدی و حافظ مورد تقلیدشان بود.

۲۵ - ولی‌الدین یکن (۱۸۷۳-۱۹۲۱) وی در یک خانواده مشهور ترک در استان بول متولد شد

ملی و دگرگوئیهای آن منجر به ظهور نمونه‌های فراوانی از شعر میهنی شد، به‌ویژه در مصر. شاعران بر اشغال بریتانیا حمله کردند و جنبشهای آزادیبخش محلی را ستودند. موضوعات اجتماعی هم در آثار مکتب تقلید کمتر از موضوعات سیاسی نبود، مثلاً موضوع عقب‌ماندگی مشرق و کشورهای عربی و ایستایی آنها در برابر پویایی غرب، از موضوعاتی بود که میان ایشان رواج داشت همچنین قصاید بسیاری در باب دردهایی که مصلحان اجتماعی عرب تشخیص داده بودند و نیز در باب علاج آنها سرودند و بدینگونه در باب آزادی زن، فقر، جهل، بیسوادی و فحشاء آثار بسیاری به وجود آوردند. بعضی از ایشان مانند: (صافی، شکل داستانی را به کار گرفتند و حکایات کوتاه بسیاری منظوم کردند که هدف آن حکایات، اصلاح و انتقاد مستقیم بود به‌شیوه تقریری موعظه و پند یا درسی بسیار ساده بود در زمینه یک مشکل اخلاقی و با اجتماعی.

پشروان رمانتیک

هنوز قرن نوزدهم به پایان نرسیده بود که نوع تازه‌ای از شعر به ظهور پیوست، نوعی که از لحاظ شکل و مضمون و از لحاظ اسلوب کلاسیک، با خصایص عمومی آن، و از لحاظ عواطف و انفعالات رمانتیکی جدید، متمایز و متفاوت بود. در حقیقت انعکاس جنبش فکری عامی بود که این تغییر و تجدید را در میدان ادبیات به وجود آورد و دنباله روی از ادبیات اروپایی بود. بهترین نمونه این شیوه تازه در شعر، همان است که در آثار خلیل مطران^{۲۶} - که از ادبیات فرانسه آگاهی داشته - دیده می‌شود. مطران در مقدمه کوتاهی که بر جلد اول دیوان خود نوشته و نیز در خلال اشعارش، عده‌ای مناهیم و موقعیتهای تازه را وارد کرده در دوره بغداد میان شاعران متجدد به‌گونه اصول مسلم و تردید ناپذیر درآمد. شاید مهمترین این مفاهیم دو نکته باشد: یکی وحدت شکل شعری و دیگری تقدم معنی یا مضمون بر واژه‌ها و شکل. تا روزگار مطران مفهوم قصیده عموماً، یا دست کم آنچه به نظر ناقدان می‌رسید، این بود که قصیده زنجیره‌ای است از ابیات که پیوندی واهی با یکدیگر دارند. شاید سرچشمه این موضوع ضرورت تقید به یک قافیه در یک قصیده بود. مطران، وحدت را در ساختمان قصیده مورد نظر قرار داد و از سوی دیگر به کلمات مجال آن را نداد که شاعر را فریب دهند و از مقصود دور کنند. در شعر او، سهم عمده‌ای از «غنایی سرایی» دیده می‌شود. همان حالتی را که رمانتیکهای اروپا در برابر طبیعت داشتند او نیز دارد، شاعر غرق

→ در قاهره پرورش یافت. در قاهره و استانبول مصدر بسیاری از کارهای حکومتی و سیاسی بود. چندی در تبعید بود، تا در ۱۹۰۸ به مصر بازگشت. وی در نشر بسیاری از مطبوعات همکاری و همراهی داشت.

۲۶- خلیل مطران (۱۸۷۲-۱۹۴۹) در بعلبک متولد شد و بعد به بیروت رفت و در یک دیر کاتولیکی به آموزش زبان فرانسه و ادب عرب پرداخت. در ۱۹۰۲ به فرانسه رفت و در ۱۹۰۲ به مصر سفر کرد و همانجا مقیم شد. وی در حوزه روزنامه‌نگاری، علوم اقتصادی، و ادب کارهای چشمگیری داشته است. دیوانش در چهار جلد به چاپ رسیده، وی از پیشروان تجدید رمانتیک در ادب عرب است.

در طبیعت است و متأثر از طبیعت و عواطف خود را در طبیعت منعکس می‌کند. همچنین در شعر او نوعی از ذهنیت حاد، و عواطف فردی دیده می‌شود که این خصوصیات از خلال شعرهای داستانی او نیز آشکار است. علاوه بر اینها مقداری آزادی شکلی در شعر او دیده می‌شود از قبیل به کار گرفتن شکلهایی که دارای یک قافیه نیست. با اینکه از نظر نوع عواطف و موضوعات شعری از رومان‌تیسیم روشن و آشکاری برخوردار است، ولی به علت طرز به کار گرفتن زبان عربی - به شیوه‌ای که اصالت آن قابل انکار نیست - از صبغه تقلید خالی نیست.

مطران با شدت هر چه تمامتر حریص بر زبان خویش است. در به کار گرفتن لغات عربی قدیم تردیدی ندارد. همواره در خویش است و بر عواطف خود چیره، چندان که خواننده تصور می‌کند این شاعر انفعال عاطفی لازم را برای رسیدن به مرز یک رومان‌تیسیم محض، ندارد.

این تعارض میان شکل قدیم و مضمون تازه، در آثار شعری بعضی از معاصران مطران از قبیل: مازنی^{۲۷} و عبدالرحمان شکری^{۲۸} و عقاد^{۲۹} نیز دیده می‌شود. اینان شدیداً تحت تأثیر مطالعات خود در شعر انگلیسی و نقد انگلیسی هستند بخصوص آنچه مربوط به دید رومان‌تیکهاست. این گروه شاعران - که بعدها به عنوان مکتب «دیوان» شهرت یافتند - شعر شوقی و حافظ را به یکسوی نهادند، همانگونه که شعر کلاسیکهای جدید را. شاید مهمترین عامل، آگاهی از نمونه‌های شعر انگلیسی بود که اینان حاصل کردند و دیدند که این گونه شعر با آنچه در آثار کلاسیکهای جدید دیده می‌شود، تفاوت آشکاری دارد. جهت اصلی موقعیت این گروه همان مسأله وحدت شکل در شعر بود که مطران نیز مورد توجه قرار داده بود. اینان علاوه بر اعتقاد به وحدت معنوی در شعر، همگی بر سر یک مسأله بسیار مهم وجدی نیز توافق داشتند که عبارت بود از ایمان به اینکه شعر باید تعبیر از یک حالت مهم در «وجود» یا یک فلسفه شخصی باشد و معتقد بودند که شاعر نباید موهبت ذاتی شعر را به مدح فرمانروایان یا به مناسبات بی‌ارزش عام بکشانند. همان اندازه که به

۲۷- ابراهیم عبدالقادر مازنی (۱۸۹۰ - ۱۹۴۹) متولد قاهره، فارغ‌التحصیل دانشسرای عالی قاهره در آغاز دیر بود سپس به روزنامه‌نویسی روی آورد. بعدها مازنی شعر را رها کرد و به نثر پرداخت و در نثر اسلوبی خاص خود به وجود آورد.

۲۸- عبدالرحمن شکری (۱۸۸۶-۱۹۵۸) در پرت سعید متولد شد و در اسکندریه به تحصیل ابتدایی و متوسطه پرداخت. بعدها تکلیس رفت تا در حوزه تاریخ و زبان انگلیسی به مطالعه و تحصیل بپردازد. پس از بازگشت در وزارت فرهنگ به کار پرداخت. وی علاوه بر دیوان شعر، کارهایی در زمینه نقد ادبی و مسائل اجتماعی دارد.

۲۹- عباس محمود العقاد (۱۸۸۹-۱۹۶۴) در آسوان متولد شد. بیشتر به روزنامه‌نویسی و نقد پرداخت و وی مردی با فرهنگ و پرکار بود و در زمینه‌های مختلف سیاست و ادب و فلسفه و دین کارهای چشمگیری دارد که بعضی از آنها به فارسی نیز ترجمه شده است و نقدهای تندی بر کلاسیکهای معاصر خود، از قبیل شوقی، دارد که در حرکت شعر جدید بی‌تأثیر نیست.

مسأله عواطف و انفعالات در شعر نیز نظر داشتند. شعری که اینان مدعی آن هستند قبل از هر چیز شعری است درون‌گرا و شخصی. این مسأله تاحدی از آنجا سرچشمه گرفته بود که اینان آنچه از شعر انگلیسی خوانده بودند، نمونه‌های غنایی و ذهنی بود و نیز ناقدان انگلیسی‌بی‌که اینان از ایشان رهنمونی گرفته بودند (امثال کالریج^{۳۰} و هازلایت^{۳۱}) ناقدان رومانتیک بودند که برای عاطفه در شعر اهمیت بسیار قائل بودند. اصراری که اینان برای ایجاد شعر محلی، شعری ذاتاً مصری، داشتند خود مرتبط با همین مسأله اینان به شعر ذهنی بود یعنی شعری که حاصل تجربه شخصی و مستقیم باشد، نه حاصل تقلید خنک. بنابراین طبیعت و تجربه شخصی وحسی است که سرچشمه الهام است نه کتابها. ازین روی بهترین آثار این شاعران دارای صبغه‌ای ذهنی است که عبارتست از: تصویر احساسات شاعر در برابر دیگران یا در برابر طبیعت یا در برابر موقعیت انسان در هستی و بیشتر شامل شعرهایی اعترافی و درون‌شناسانه است؛ شعرهایی که حالات عاطفی خاصی را وصف می‌کند و اغلب رنگی از اندوه و شوربختی در آن دیده می‌شود. اینان همگی احساس می‌کنند در دوره‌ای می‌زیند، که تمدن در جامعه از مرحله کلاسیک به مرحله جدید در حال انتقال است، مرحله‌ای که در آن همه ارزشها در حالتی بحرانی بسر می‌برند و همگی خود را موظف می‌دانستند این بیماری را - که در نتیجه این انتقال فرهنگی عام روزگار به وجود آمده - تصویر کنند. با اینکه اینان گامهای بلندی در راه ساده کردن زبان شعر برداشتند باز هم کلمات و موسیقی شعر ایشان و روح و وسایله لغوی آن، ما را به یاد شاعران عصر عباسی می‌اندازد، شاعرانی که در این دسته تأثیر بسیار داشتند. از این روی، حرص ایشان بر روح زبان به همانگونه است که در شعر قدیم. موقعیت محافظه‌کار ایشان در مسأله شکل شعر نیز ایشان را از رومانتیکها (به خصوص شاخه‌ای که به هیجر^{۳۲} امریکا پیوند دارد) جدا می‌کند و ایشان را در مرز میان رومانتیکها و کلاسیکها قرار می‌دهد، درست مانند خطران هر چند زبان ایشان زبان تقریری محض نیست، بسا اینهمه به آن حد از غنایی سرایی و قدرت القاء نرسیده است که در شعر رومانتیکها بعداً دیده می‌شود.

۳۰ - Coleridge (۱۷۷۲ - ۱۸۳۴) شاعر و ادیب و منتقد انگلیسی.

۳۱ - هازلایت، ویلیام Hazlitt (۱۷۷۸ - ۱۸۳۰) نویسنده و منتقد انگلیسی.

۳۲ - اصطلاح «مهیجر» بر شاخه‌ای از ادبیات جدید عرب اطلاق می‌شود که حاصل کار عده‌ای از مهاجران عرب (بیشتر از سوریه و لبنان) به امریکای جنوبی و امریکای شمالی است. اینان پس از مهاجرت به امریکا و استقرار در آن سرزمین آثاری بوجود آورده‌اند که از دوسوی قابل ملاحظه است نخست از باب تأثیری که از ادبیات اروپایی و امریکایی دارد و دیگر از باب زمینه‌های تازه عاطفی و تصویری که حاصل زندگی در محیط تازه است. از شاعران «مهیجر» در شاخه مهاجر امریکای شمالی می‌توان رشیدایوب (۱۸۷۲ - ۱۹۴۱) و نسیب عریضه (۱۸۸۷ - ۱۹۴۶) میخائیل نعیمه (متولد ۱۸۸۹) و ایلیا ابوماضی (۱۸۸۹ - ۱۹۵۷) و نویسنده معروف جبران خلیل جبران را نام برد و از شاخه امریکای شمالی، رشید سلیم خوری (متولد ۱۸۸۷) و الیاس فرحات (متولد ۱۸۹۳) و جورج صیدح (متولد ۱۸۹۲) را. ادبیات مهیجر با همه رنگ و بوی رمانتیک و احساساتی که دارد، فضای تازه‌ای بود در شعر و تنی عرب که توانست بنیاد کلاسیسم هنر او و چهارصد ساله شعر عرب را دگرگون کند.

مازنی و عقاد، تغییراتی در نوق ادبی رایج روزگارشان ایجاد کردند و این تغییر بیش از آنکه از راه شعر ایشان باشد، از راه نوشته‌های انتقادی ایشان حاصل شد. هجومی که در بیست سی سال آغاز قرن بیستم این دو بر شوقی و کلاسیکهای جدید آوردند، اکثریت روشنفکر را برای شنیدن صداهایی غیر از صدای کلاسیکها تشجیع کرد. همین نقشی که مازنی و عقاد در مصر داشتند، دیگر دعوتگران تجدید که تندروتر و انقلابی‌تر بودند - مثل جبران^{۳۳} و نعیمه^{۳۴} در لبنان و مهجر داشتند. اگر آن نزاعهای ادبی و نشرکتابهای انتقادی تند نبود، انتشار رومانتیسم، آنگونه که در شعر جدید دیده می‌شود، بسیار دشوار بود.

دوره رومانتیسم، در بهترین جلوه‌اش، همان است که در فاصله جنگ بین‌المللی اول و دوم دیده می‌شود. از خصایص رومانتیسم این است که تعارض میان شکل و محتوی از میان رفته یا تقریباً چنین می‌نماید. دیگر اینکه نمونه غالی شعر، غنایی سرایی است و فرمانروایی عواطف و احساسات ذهنی و این احساسات شبیه است به آنچه در شعر رومانیک اروپائی دیده می‌شود. اندوه است و شوق مبهم و تمایل به معصومیت دوران کودکی و آرزوهای دست‌نایافتنی و عواطف متافیزیکی و حیرت و رازها و بسیار چیزهای ناشناخته، خواه در ذات شاعر و خواه در مظاهر پیچیده طبیعت. این وضع و این گرایشهای عاطفی، بعضی مستقیم و بعضی غیرمستقیم، تأثیرپذیری از شعر رومانیک اروپاست و از جهاتی نتیجه موقعیتی است که اعراب از لحاظ فرهنگی و سیاسی، خود را در آن احساس می‌کردند، بخصوص در ولایاتی که به سرعت داشت خصوصیت کلاسیکی خود را از دست می‌داد. بی‌هیچ تردید، تشخیص اینکه چه قسمتهایی نتیجه تقلید رقائس ادبی است و چه قسمتهایی حاصل وضع عمومی فرهنگ و تمدن، بسیار دشوار است. هر چه هست، پدیده‌ای که قابل توجه است و تردیدی در زمینه مدنی و اجتماعی آن نیست این است که این شیوه جدید شعری به سرعتی بسیار، در تمام مناطق جهان عرب، انتشار یافت.

جنبش رمانتیسم در شعر جدید عرب، پیروان بسیار داشت به حدی که اگر کسی بخواهد به درستی نمایندگان این جنبش را انتخاب کند به دشواری می‌تواند از انحراف برکنار

۳۳- جبران خلیل جبران (۱۸۸۳ - ۱۹۳۱)، شاعر و نویسنده رمانیک و بسیار معروف عرب که بخاطر بعضی از آثارش مانند پیامبر، شهرت جهانی یافته و بعضی از آثارش به فارسی نیز ترجمه شده است. جبران بعضی آثار خود را اصولاً به زبان انگلیسی نوشته است و بعد به عربی ترجمه شده است. روح انسانی و صوفی مشرب او، لطف خاصی به آثار وی بخشیده است.

۳۴- میخائیل نعیمه (متولد ۱۸۸۹) در لبنان متولد شد و تحصیلات اصلی او به زبان روسی و در روسیه بود، و چندان بر این زبان تسلط داشت که بدین زبان شعر می‌سرود. در ۱۹۱۲ به آمریکا مهاجرت کرد و از دانشگاه واشنگتن در رشته حقوق فارغ‌التحصیل شد. در جنگ جهانی اول جزء ارتش آمریکا بود، و اولاً به جهت فرافسه فرستادند. بعد از جنگ، چندی در دانشگاه رین در فرانسه به مطالعه ادبیات و تاریخ فرانسه پرداخت. کارهای او در زمینه‌های داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه، شعر و زندگینامه نویسی و نقد ادبی شهرت دارد، جنبه نویسنده‌گی او بر شاعریش غلبه دارد.

مانند. اما در هر بعضی از این جنبش، هر گونه که باشد، ناچار باید از دکتر ابوشادی^{۳۵} مدیر مجله آپولو^{۳۶} در قاهره یاد شود. مجله آپولو مجله‌ای بود که خدمتی بزرگ به شعر جدید عرب را اتعهد کرد، همچنین از دکتر ناجی^{۳۷} دوست ابوشادی و علی محمود طه^{۳۸} از شاعران مصر، و ابوشبکه^{۳۹} در لبنان و از ابوریشه^{۴۰} در سوریه و شابی^{۴۱} در تونس و تیجانی^{۴۲} در سودان. چنانکه

۳۶ و ۳۵- احمد ذکی ابوشادی (۱۸۹۲ - ۱۹۵۵) در قاهره متولد شد برای تحصیل پزشکی به انگلیس رفت و در آنجا به ادبیات انگلیسی پرداخت و پس از بازگشت، علاوه بر شغل طبابت، به کار روزنامه‌نویسی و مجلات روی آورد. مهمترین مجله او، مجله آپولو بود که از سال ۱۹۳۲ شروع به کار کرد و ویژه شعر و شاعری بود. وی از پیشروان رومانسیسم در شعر مصر بشمار می‌رود.

۳۷- ابراهیم ناجی (۱۸۹۸ - ۱۹۵۳) متولد قاهره، او نیز مانند دوستش ابوشادی پزشک بود و از اعضای مجله و جمعیت آپولو در زبانه‌های فرانسه و انگلیسی تسلط داشت و از رومانسیکهای هر دو زبان متأثر بود. گل‌های شری اثر بودلر را به عربی ترجمه کرد.

۳۸- علی محمود طه (۱۹۰۲ - ۱۹۴۹) متولد منصوره، در مصر. مهندس بود و به کارهای مهندسی می‌پرداخت. بعدها در پارلمان مصر شغلی مهم داشت. در ۱۹۳۴ که مجموعه شعر ملاح گمشده را منتشر کرد. به عنوان یکی از بهترین رومانسیکهای شعر عرب مورد توجه قرار گرفت، او نیز از همکاران ابوشادی و اعضای جمعیت و مجله آپولو بود.

۳۹- ابوشبکه، الیاس (۱۹۰۳ - ۱۹۴۷) در نیویورک متولد شد و در لبنان تعلیم و پرورش یافت. وی در ادبیات فرانسه صاحب نظر بود و از عاشقان آلفرد دوموسه. بسیاری از آثار مولیر و ولتر و برناردین دوسنیر و لامارتین را به عربی ترجمه کرد. مجموعه شعر او تحت عنوان انیهای بیست او را به عنوان شاعر ملعون شهرت بسیار داد. یکی از مهمترین رومانسیکهای شعر جدید عرب است.

۴۰- ابوریشه، عمر (متولد ۱۹۱۰) در حلب (سوریه) متولد شد و در دانشگاه آمریکایی بیروت به تحصیل پرداخت، وی بیشتر متأثر از رومانسیکهای انگلیسی است، یک چند به کتابداری و شغل کتابخانه پرداخت و مدتی وابسته فرهنگی سوریه در جامعه عرب بود و یک چند سفیر سوریه در برزیل و هند.

۴۱- ابوالقاسم شابی (۱۹۰۹ - ۱۹۳۴) شاعر رومانسیک و بسیار معروف تونس که با همه عمر کوتاهش، از حسن قبول و شهرت فراوانی برخوردار است. بیشتر فرهنگ او فرهنگ اسلامی بود و تحصیلاتش در رشته حقوق، باینکه هیچ زبان خارجی بی نمی‌دانست از رهگذر آثار و مقالات شاعران مهبجر، تأثیر ایشان را پذیرفت و در میان گویندگان مکتب رومانسیک از شهرت و توفیق بسیاری برخوردار شد. بیشتر شعرهای او در مجله آپولو انتشار یافت.

۴۲- یوسف بشیر تیجانی (۱۹۱۲ - ۱۹۳۷) متولد آمدردمان (سودان). خانواده او از صوفیان تیجانی سودان بودند و او فرهنگ دینی را به همان شیوه کهن آموخت ولی بر اثر مطالعه آثار شاعران مصری و ادبیات مهبجر روح مبارزه با فرهنگ کهنه در او بوجود آمد، او نیز مانند شابی، در جوانی، به بیماری سل در گذشت و به همین مناسبت «تابی سودانی» خوانده می‌شود. تجربه‌های صوفیانه، در شعر رومانسیک او، جلوه‌های درخشانی یافته‌اند.

باید از نیمه و اوج ماضی و عریضه^{۴۲} و بسیاری دیگر در مهاجر آمریکا یاد کرد، اما در عراق شعر رومانتیکی بسیار دیر وارد شد و عمر درازی هم نکرد و می‌توان گفت که در دهه چهارم قرن بیستم در آثار شاعرانی مانند نازک الملائکه^{۴۳} و سیاب (در آثار نخستین او) به ظهور پیوست و هنوز دهه پنجم به پایان نرسیده بود که علائم تنگی میدان رومانتیسم در عراق آشکار شد. نقشی که شاعران مهاجر در انتشار گرایشهای رومانتیکی داشتند برآستی بسیار قابل ملاحظه و مهم است. تأثیر ایشان در معاصران ایشان بسیار عمیق و گسترده بود. شاعران مهاجر، هم از نظر فرهنگی و هم از لحاظ تاریخی در حقیقت امتداد شعر لبنان بودند. این افراد که بعضی در پی زندگی و رزق و جمعی در پی آزادی به آمریکا مهاجرت کرده بودند، همگی مسیحی بودند و در مدارس تبشیری^{۴۵} تربیت شده بودند و روشنفکران ایشان از بعضی افکار تازه سیراب بودند و علیه اوضاع فرسوده کلاسیک شورش کردند. هنگامی که به آمریکا مهاجرت کردند، در آنجا مجالی برای تجدید و ابتکار و تجربه یافتند مجالی بیش از آنچه هموطنان ایشان در مصر داشتند و بدینگونه در برابر فرهنگ کلاسیک عرب مقاومت کردند، چیزی که از تدریج و انقلابی بودن ایشان حکایت می‌کند.

مثل اینکه، در آمریکای شمالی، بعضی از ایشان تحت تأثیر رومانتیسم متأخر ادبیات آمریکایی - رومانتیسم امسون^{۴۶} و لانگفلو^{۴۷} و والت ویتن^{۴۸} - قرار گرفتند و به مناسبت در برابر سنتهای شعر عرب نسبت به آنها که به آمریکای جنوبی مهاجرت کرده بودند، تدریجاً و انقلابی‌تر بودند. با اینهمه نکاتی هست که تمام شاعران مهاجر آمریکایی عموماً در آن اشتراك دارند، همگی نوعی احساس غربت می‌کردند و نپیوستن در سرزمینهایی زندگی می‌کردند که در آن به زبان ایشان و به زبان فرهنگ ایشان سخن گفته نمی‌شد و از همین جهت احساس میکردند که موجودیت فرهنگی آنها در خطر است، با یکدیگر انجمن کردند و دسته‌ای به وجود آوردند و پیوندی برقرار کردند و مجلات ادبی خاص خود را نشر دادند.

۴۲ - نسیم عریضه (۱۸۸۷ - ۱۹۴۶) متولد حمص (سوریه) در يك مدرسه ابتدایی روسی شروع به تحصیل کرد و بعد در ناصره به مؤسسه معلمین روسی رفت و در آنجا با میخائیل زهیمه آشنا شد. در ۱۹۰۵ به آمریکا مهاجرت کرد و در آنجا به تجارت پرداخت و توفیقی نیافت، چا پخانه و مجله‌ای نیز تأسیس کرد که تعطیل شد و سرانجام روزنامه نویس شد.

۴۳ - نازک الملائکه (متولد ۱۹۲۳) شاعره برجسته و توانای عرب، متولد بغداد. فارغ التحصیل دانشسرای عالی. وی در خانواده بسیار سرشناس شیعی بغداد متولد شد و پس از فراغت از تحصیل برای مطالعه در ادبیات انگلیسی به آمریکا رفت علاوه بر مجموعه‌های شعری که منتشر کرده، کتابی نیز به عنوان مسائل شعر معاصر عرب در ۱۹۶۲ نشر داد که بارها چاپ شده است. او نخستین کسی است که عروض آزاد را در شعر معاصر عرب تجربه کرده است. اگر چه بدشاکر السیاب هم در همان زمان، شعرهایی با عروض آزاد نشر داد.

۴۵ - مدارس تبشیری مدارس است که توسط روحانیان مسیحی اداره می‌شود و بیشتر بر اساس تبلیغات دینی فعالیت دارد.

۴۶ - Emerson (۱۸۰۳ - ۱۸۸۲) شاعر و نویسنده آمریکایی.

۴۷ - Longfellow (۱۸۰۷ - ۱۸۸۲)

۴۸ - والت ویتن (۱۸۱۹ - ۱۸۹۲) شاعر آمریکایی.

چیزی که بیشتر در آثار ایشان به چشم می‌خورد شوق به وطن است، شوقی است که در غربت در جامعه جدید آن را تندتر می‌کند. این اشتیاق خیلی بیشتر از احساسات دیگر شعر ایشان جلوه دارد تا مثلاً تمایل به بازگشت به طبیعت و زندگی روستایی و تصویر آید از وطن اصلی، و اصرار همگی، به طوری که گاهی متصنعانه جلوه می‌کند، بر آن چیزی روحانیت شرق و مادگیری غرب خوانده می‌شود. و از همین جهت است که ویژگیها اینگونه شعر، از قبیل احساس گوشه‌نشینی و ذهنیت افراطی، تنها گرایشهای روانی و فکری تعدی نیست که از بعضی گرایشهای شعر رومانتيك اروپا مایه گرفته باشد، بلکه از حقیقت تاریخ اجتماعی ایشان - که وضع آنان در جامعه بیگانه و تمدن بیگانه است - سرچشم گرفته است.

با اطمینان می‌توان گفت که نسل شاعران رمانتيك عرب، آنها که در فاصله دو جنگ به مرحله پختگی و کمال رسیدند، همگی تحت تأثیر شاعران مهاجر امریکایی قرار گرفتند. بویژه شعرای مهاجر امریکای شمالی که در آزاد کردن شعر جدید سهم بسزایی دارند. اینها در راه ایجاد مفهوم تازه‌ای برای شعر عرب همکاری کردند، مفهومی که بعدی روحی ابعاد شعر عرب افزود و آن لهجه تقلیدی خطایی را به یک سوی نهادند. روشی انتخاب کردند که مرحوم دکتر مندور^{۴۹} آن را شعر مهموس (= درگوشی، زمزمه وار) خوانده است. شعرشان را بر اساس تجربه‌های ذهنی انسان قراردادند و بر اساس موقعیت انسان در برابر طبیعت و در برابر دشواریهای بنیادی انسان و مشکلات هستی. همچنین موضوعات و تصوراتی هایی از کتاب مقدس را داخل شعر عرب کردند و شعر عرب را بدینگونه تحت تأثیر قرار دادند و دامنه‌اش را گسترش بخشیدند. گذشته از اینها بیشتر به اوزان کوتاه روی آوردند به تعدد قایقه‌ها و آزادی شکلی. البته بسیاری از آراء جالب بعضی از ایشان در جهات عرب انعکاس مهمی نیافت همچنانکه، کوشش بعضی از ایشان در راه رها کردن میراث قدیم شعر عرب، مورد هجوم گروه بسیاری قرار گرفت. و ایراد بر ایشان گرفتند که زبانشان به حد کافی از سلامت برخوردار نیست، با اینهمه هیچ محقق با انصافی نمی‌تواند نقش مهم را که اینان در تکوین احساسات ادبی در جهان معاصر عرب داشته‌اند، انکار کند.

بیرون واقع‌گرایی اشتراکی و رمزگرایان علوم انسان

جنگ جهانی دوم نقطه تحولی بزرگ بود، نه تنها در شعر عرب بلکه در ادبیات عرب طور کلی. همچنانکه از نظر زندگی اجتماعی و سیاسی نیز در شرق عربی، در بسیاری موارد نقطه تحول بود. حادثه جنگ جهانی، از افول رمانتیسم خیرداد زیرا که آغاز این تحول را پس از جنگ بلافاصله در مصر و سپس در عراق می‌توان دید.

در سالهای پس از جنگ، جوانان روشنفکر در مصر توجهشان به فلسفه «مارکسیست» جلب شد، آگاهی نویسندگان از رسالت اجتماعی و سیاسی ایشان افزوده شد. و این خود

۴۹ - از منتقدان و ادیبان معاصر مصر که در حوزه نقد ادبی آثار بسیاری دارد.

تعبیری بود از درک نیاز به اصلاح سیاسی؛ زیرا از احزاب میاسی سخت نومید شده بودند و نسبت به دوران انحلال و فساد چه در دربار و چه در زندگی مردم خشمگین بودند. و همچنین نسبت به فقری که بر اثر جنگ در میان مردم حاصل شده بود. بعضی راه حل مشکلات را در کمونیسم یافتند و گروهی اصول عقاید اخوان المسلمین^{۵۰} را پذیرفتند در چنین شرایطی بسیار طبیعی بود که بعضی از شاعران و نویسندگان، رومانیسم را، به دلیل اینکه حرکتی است هراسان از واقع، و به دلیل اینکه ادبیات آن ادبیات برج عاجی، بلکه ادبیات ایام بلوغ است؛ به شدت مورد هجوم و انتقاد قرار دهند. و بدینگونه شعر شاعران مارکسیست، امثال جمال عبدالحمید و عبدالرحمان شرفاوی در مصر و سپس شعر البیاتی و سیاب (در یکی از مراحل کارش) به وجود آمد.

یکی دیگر از حوادثی که پس از جنگ به وقوع پیوست و سهمی در شکست رومانیسم داشت، ترازوی فلسطین بود که سبب شد بسیاری از شاعران خجالت زده شوند از اینکه از جهان انسانها با اینهمه رنجهای بی پایان و سیاستهای فاسد، به عالم جمال و طبیعت و رؤیایها بگریزند. سپس نتایج سیاسی جنگ فلسطین بود، همان نتایجی که منتهی به انقلاب ۱۹۵۲ در مصر شد، که تأثیرات بزرگی در جهان عرب به وجود آورد از قبیل افزایش آگاهی سیاسی در میان توده مردم و نیز ایجاد نظمهای میاسی راجتماعی تازه با شعارهای جدید. از آنجا که این نظمها، عادتاً به نام توده مردم، بنیاد می شود موضوع توده مردم جزئی از مسأله «التزام» شد و به عده ای معین از نویسندگان و شاعران مارکسیست هم محدود نماند. واقع گرایی اشتراکی، چنان انتشاریافت که هیچ شاعر و نویسنده ای را نمی توان یافت که بیش و کم از آن متأثر نشده باشد. ما تأثیر آن را در شعر سیاب و عبدالصبور مشاهده می کنیم، همچنانکه در شعر البیاتی و فیتوری^{۵۱} و عبدالمعطی حجازی^{۵۲} می بینیم. حتی آن دسته از

۵۰- جمعیت سیاسی دینی بسیار مقتدری که در سال ۱۹۲۸ در اسماعیلیه مصر توسط حسن البنا تأسیس شد و در سراسر کشورهای عربی و بسیاری از ممالک اسلامی نفوذ و گسترش یافت. اخوان المسلمون در ۱۹۴۸ به اتهام قتل نخست وزیر وقت مصر و توطئه برای قتل فاروق تحت تعقیب قرار گرفتند و سران جمعیت مورد شکنجه و آزار واقع شدند و رهبر جمعیت نیز کشته شد. در ۱۹۵۰ دوباره به فعالیت پرداختند و باز جمعیت در ۱۹۵۴ در حکومت جنرال نجیب منحل شد. عبدالناصر آخرین رهبران جمعیت را در حکومت خود به زندان افکند و بعضی را اعدام کرد. اخوان المسلمون به لحاظ داشتن نظریات تازه و انقلابی در زمینه حکومت در کشورهای اسلامی همواره تحت فشار بودند.

۵۱- محمد مفتاح الفیتوری (متولد ۱۹۳۰) شاعر سودانی در اسکندریه از يك پدر سودانی و مادر مصری متولد شد، بعدها به قاهره رفت. نخستین مجموعه شعرش سرودهای اویقا نام داشت و سپس عاشقی از اویقا را منتشر کرد. مسأله تزا، یکی از موضوعات عمده شراوست.

۵۲- احمد عبدالمعطی الحجازی (متولد ۱۹۳۵) شاعر مصری، در یکی از روستاهای مصر متولد شد و بعد در قاهره به تحصیل پرداخت. مسأله اصلی شعرش حالت سرگشتگی انسان روستایی در شهر است.

شاعران که در حقیقت رومانیک هستند، امثال نژاد قبانی^{۵۳} و کمال نشأت^{۵۴}، آنان نیز به معانی و موضوعاتی که با واقع گرایی اشتراکی پیوند دارد روی آور شدند.

شاعران امروز به جای سخن گفتن از طبیعت و گلها و غروب و برکه ها بیشتر تمایل دارند که از زندگی شهری سخن بگویند، و اگر از روستا سخن بگویند، بیشتر به وصف فقر و بدبختی بی که در آنجا هست می پردازند.

البته باید توجه داشت که نگرش در موضوعات سیاسی و اجتماعی در شعر امروز، این نیست که شاعران معاصر به همان دوره کلاسیکها - که در آغاز این قرن رواج داشت - برگشته اند، زیرا شاعر معاصر عرب که همچون یک انسان سیاسی و اجتماعی می نویسد، از مرحله تجربه رومانسیسم گذشته و از آن دور شده است. و به همین مناسبت از صراحت و خطاب مستقیم و تمایل به اسلوب تقریری که در کلاسیکهای جدید بود، می پرهیزد و با اینکه از مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی خویش به نیکی آگاه است، و رسالت خویش را پیش چشم دارد، در عین حال می کوشد که رؤیت شخصی خود و موقعیت فردی خویش را از رهگذر استخدام عناصر درامی و روایی در شعر ثبت کند. بهترین شعرهای معاصر شعرهایی است که پیام فلسفی و اخلاقی یا اجتماعی و سیاسی خود را مستقیماً بیان نمی کند بلکه با کمک گرفتن هنرمندانه از تصاویر شعری این کار را انجام می دهد و چه بسیار است که شاعر پیوند خود را با توده خوانندگان از رهگذر اشاره به اسطوره های اجتماعی تصویر می کند و این کار در شعر معاصر عرب خود یک پدیده تازه و شگفت است خواه مارکسیستی باشد و خواه رمزگرایانه. در همین جاست که تفاوتی میان شعر مصر از جهتی و شعر لبنان و سوریه و عراق از جهتی دیگر احساس می کنیم: شاعران مصری به استخدام اساطیر عربی، که میراث قدیم عرب را شامل است، می پردازند بخصوص دامستانهای هزارویک شب، ولی دیگران به میراث اساطیری عرب بسنده نکرده و در شعر خویش از اساطیر قدیم جهان کمک می گیرند.

دیگر از عواملی که منجر به شکست رومانسیسم شد، توجه بعضی از شاعران نسل جدید عرب به شعر انگلیسی بود عموماً و به شعر الیوت^{۵۵} خصوصاً. مثلاً در آثار عبدالصبود انعکاسهایی از شعر الیوت هست همچنان که تأثیر الیوت و ایدیت سینتل^{۵۶} در شعر سیاب

۵۳- نزار قبانی (تولد ۱۹۲۳) در دمشق متولد شد و از دانشگاه سوریه فارغ التحصیل رشعاً حقوق شد. به عنوان عضو سیاسی وزارت خارجه سوریه در بیروت و قاهره و لندن و پکن و مادرید فعالیت داشت و سرانجام از وظایف سیاسی چشم پوشید و در بیروت مقیم شد و یک شرکت انتشاراتی به وجود آورد. شاید هیچ شاعری در میان شاعران نسل اخیر عرب به اندازه او از شهرت و محبوبیت برخوردار نشده باشد. بیشتر عاشقانه سرای است و در این راه بسیار موفق، اخیراً به شعرهای سیاسی نیز توجه کرده است.

۵۴- کمال نشأت (تولد ۱۹۲۳) شاعر مصری در اسکندریه متولد شد، دکتر در ادبیات عرب است و استاد یکی از دانشگاههای قاهره. سه مجموعه شعر از او تا کنون انتشار یافته است.

۵۵- T. S. Eliot شاعر و ناقد بزرگ انگلیسی (۱۸۸۸-۱۹۶۹) که تأثیرش بر شعر بسیاری از ممالک غیر انگلیسی زبان نیز محسوس است.

۵۶- Sitwel (۱۸۸۷-۱۹۶۵) شاعر انگلیسی که از سمبولیستهای فرانسه متأثر بود.

آشکار است چه در ساختمان شعرها و چه در شیوه شاعری. همچنین تأثیر شیوه به کار گرفتن اسطوره‌ها در شعر الیوت به‌طور واضح در شعر لبنان، بویژه در شعر خلیل حاوی دیده می‌شود. حقیقت امر این است که هیچ شاعر انگلیسی‌بی به اندازه الیوت در جهان عرب شهرت نیافته، مگر شکسپیر. طبعاً، همان‌طعن و طنزی که الیوت نسبت به شاعران رومانیک انگلیس داشت، و همان انتقادهایی که وی بر اسلوب و موضوعات ایشان وارد می‌کرد، تأثیر بزرگی در وضع شاعران نسل جدید عرب باقی گذاشت؛ در نتیجه به‌شدت از آنچه در آثار پیروان رومانتیسم متأخر عرب دیده می‌شد، از قبیل سادگی تصنعی و شاعری سطحی و آسان و آبکی، کناره گرفتند و شیوه دیگری را بر آن ترجیح دادند، شیوه‌ای که از نوعی خشکی و بیرحمی خالی نیست و از به کار گرفتن عباراتی از زبان امروز باکی ندارد و بیشتر به استخدام رمز و اشاره می‌پردازد، و اینها همگی خصایصی است که شیوه الیوت بدان ممتاز است.

تأثیر الیوت شخصاً و شاعران اروپایی عموماً، بگونه‌ای دیگر نیز در شعر معاصر عرب احساس می‌شود و آن آزادی بیش از حد شعر عرب است در شکل و وزن. اگر از بعضی کوششهای پسمان نرسیده‌ای که برای احیاء شعر منشور که جمعی از طرفداران سوررئالیسم در مصر در خلال جنگ دوم جهانی کردند و نیز از بعضی کوششهای امروزی که بعضی از تندروان و افراطیون در سوریه و لبنان دارند؛ صرف نظر کنیم انقلاب اصلی در اوزان شعر عرب همان انقلابی است که سیاب و نازک‌الملائکه از پیشروان آن هستند. همان انقلابی که سراسر جهان عرب را فرا گرفته و در نتیجه شاعر به‌جای اینکه سطر یا بیت را که در عروض خلیل بن احمد نظام خاص تقیلات است - اساس وحدت شعر قرار دهد، تقیله (رکن) را اساس قرار می‌دهد^{۵۷}، منتها به‌شکستن بیت کلاسیک اکتفا نشد، بلکه قافیه سراسری را نیز به یکسوی نهادند، حتی گاهی از قافیه نیز احساس بی‌نیازی کردند. طبعاً هدف اصلی این کار ایجاد آزادی هر چه بیشتر برای شاعر بود، تا بتواند وحدت درونی را در شعر خویش تحقق بخشد و بتواند میان شکل و مضمون ازدواج کاملی برقرار کند و آنها را به یکدیگر بیامیزد. و این وضع انقلابی در شکل شعر خاص طرفداران سیاسی خاص نیست، بلکه اکثریت شاعران در این شرکت دارند، هر چند اندیشه‌ها و عقاید سیاسی‌شان متفاوت باشد. چیزی که قابل ملاحظه است این است که تندروترین شعر انقلابی معاصر عرب شعر پیروان مارکسیسم یا واقع‌گرایی اشتراکی نیست بلکه شعر جماعتی از شعراست که

۵۷- این سؤال همان چیزی است که نیما در شعر فارسی عرضه داشته است و به‌طور خلاصه بر داشتن قید تساوی کمی ارکان عروضی در مصراعهای شعر است. شاعران عرب، کاری را که نیما قبل از جنگ دوم در حدود ۱۹۳۸ انجام داده بود، در حدود ۱۹۴۷ دهسال بعد از آن انجام دادند. خانم نازک‌الملائکه (که به احتمال قوی قبل از هر کس این کار را کرده) در کتاب مسائلی شعر معاصر می‌گوید، «من در ۱۹۴۷ شری منتشر کردم که نخستین نمونه این کار بود، (صفحه ۲۳ چاپ سوم) و بعد از چندماه دیوان شعری از بدر شاکر السیاب به نام گلجای پژموده نشر یافت که یک شعر آزاد در آن به چاپ رسیده بود.

نامهایشان به وسیله مجله لبنانی شعر^{۵۸} بهم پیوند دارد. ایشان در جای خود از مخالفان واقع گرایی اشتراکی هستند و معتقدند که شعر چیزی نیست بجز تعبیری زبانی که حاصل رؤیت شخصی شاعر است و در اصل نوعی کشف ذهنی است. در عرف ایشان هر نوع التزامی - که صاحبش را به نوعی بیان مستقیم بکشاند - به هنر زیان می رساند و طبیعت آن را زشت می کند. ایشان با طرفداران واقع گرایی اشتراکی، در مخالفت با رومانسیسم، هم عقیده اند. بعضی از ایشان رومانسیسم را نوعی «بیماری» می دانند، اما در مسأله ای دیگر با هم اختلاف دارند و آن این است که اینان به نوعی از شعر تمایل دارند، که از نظر ابهام، گاهی پیچیده تر از شعر معاصر اروپاست. همچنین به کار گرفتن زبان نیز در شعر ایشان بسیار انقلابی است تا آنجا که این نردید همیشه باقی است که آیا آن تغییر ناروا و مسخعی که بعضی از ایشان در زبان ایجاد کرده اند در حوزه شعر عرب ابدیتی به ایشان می تواند بیخشد؟ عنوان رمز - گرایان بر این دسته از شاعران به قصد تعمیم، اطلاق شده است، زیرا ایشان با اینکه بیشتر متأثر از شعر معاصر فرانسه و فلسفه معاصر اروپا هستند، و بیشتر می گویند از تجربه هایی که ظاهرآ شبیه تجربه های صوفیه و گزیستانسیالیست هاست سخن بگویند، اما در حقیقت، موقعیت ایشان همانطور و سیری است که در شعر رمزی اروپایی وجود دارد. و این نکته در شیوه شاعری ایشان سخت آشکار است که بیشتر متوجه عالم رمزهای شخصی درون هستند و از زبان شعر، تلقی ویژه ای دارند که وظیفه شاعر در آن این است که زبان مشترک رایج را رویه رفته درهم شکند و جهان زبانی و لغوی خود را - که در حقیقت همان شعر اوست - جایگزین زبان مشترک و رایج کند.

بعضی از میانه روان مجله شعر، امثال یوسف الخال^{۵۹} و خلیل حاوی^{۶۰} و ادنیس^{۶۱}،

۵۸ - یکی از مهمترین مجلات ادبی لبنان و از پیشروترین و تندروترین نشریات ادبی عرب در باب شعر است. مجله ای ماهانه است که موقتاً هر سال چهار شماره منتشر می شود مدیر مسئول آن یوسف الخال از شاعران مکتب رمزگرایی و بیشتر ناشر آثار شعری گویندگان مکتب رمزگرایی (سمبولیسم) است ولی نویسندگانش با همه تندروی از سعه صدر بسیاری برخوردارند و نسبت به تمام شیوه ها و مکاتب شعری، حتی کلاسیکهای از نوع جواهری که در کار خود موفق اند، به دیده احترام می نگرند. مجله شعر انتشارات بسیار خوبی به صورت مجموعه های شعری، ترجمه های شعری ادبیات معاصر جهان، کتابهای نقد شعر و ... نیز دارد.

۵۹ - یوسف الخال (متولد ۱۹۱۷) در طرابلس متولد شد و در رشته فلسفه از دانشگاه آمریکایی بیروت فارغ التحصیل شد مدتی در نیویورک، به عنوان کارمند عالی رتبه سازمان ملل به کار پرداخت. از ۱۹۵۷ مجله شعر را بنیاد نهاد. وی کالری بی نیز به عنوان گالری واحد در بیروت دارد که نمایشگاه هنرهای جدید است. بسیاری از آثار الیوت، سند برگه، رابرت فراست و ا.ا. پیوند را به عربی ترجمه کرده است.

۶۰ - خلیل حاوی (تولد ۱۹۲۵) متولد لبنان، دکتر در ادبیات از دانشگاه کمبریج. استاد دانشگاه آمریکایی بیروت. شعرش آمیخته ای از فلسفه و سیاست است با زبانی رمزی.

۶۱ - ادنیس نام مستعار علی احمد السعید (متولد ۱۹۳۰) است که در لاذقیه (سوریه) متولد شد و در رشته فلسفه از دانشگاه دمشق فارغ التحصیل گردید. سپس به بیروت آمد و تابعیت لبنان را پذیرفت از همکاران نزدیک مجله شعر است. او را بزرگترین شاعر مکتب رمزگرایی در ادبیات معاصر عرب می شمارند. وی یکی از ناقدان برجسته امروز عرب نیز بشمار می رود.

توانسته اند شعرهایی واقعاً ممتاز به وجود آورند، شعرهایی که در آن، درک شاعر از هستی چنان است که جهان ویژه شاعر با اجتماعی که وی در آن زندگی می کند بهم آمیخته است؛ چندان که رهایی فردی که شاعر در خلال شعر خویش آن را جستجو می کند، در عین حال، رهایی جامعه ای است که وی در آن زندگی می کند. در اینگونه شعرها، که حقاً ضمیمه بسیار ارزنده ای است برای شعر عرب، و گسترشی است در آفاق آن؛ احساس می کنیم که تجربه روحی که شعر را به وجود آورده، و همان جوهر شعر است، در عین حال یک تفسیر سیاسی و با حاشیه نویسی مدنی و اجتماعی نیز هست.

براستی می توان گفت اینگونه شعر - که در سالهای اخیر به وجود آمده و اغلب شاعران آن از متولدان دهه دوم و سوم این قرن هستند - هنوز از نظر زمانی چندان عمری بر آن نگذشته است تا بتوان آن را به دقت مورد مطالعه قرار داد و درباره آن حکم کرد، حکمی که حاصل مطالعه ای جدی و دور از عناد شخصی و ذهنیت باشد. با اینهمه هیچ کس نمی تواند این نکته را انکار کند که امروز در جهان عرب، توجهی اصیل و گسترده نسبت به شعر مشاهده می شود و کوششها و تجربه های نوآیینی - که می تواند توجه ناقدان و جویندگان را به خود جلب کند - در آن به چشم می خورد، و من شخصاً هیچ تردیدی ندارم که بعضی از این کوششها و تجربه ها را نسلهای آینده، که دوستدار شعر عرب باشند، مطالعه خواهند کرد.*

آکسفورد، سپتامبر ۱۹۶۹

* در مورد شعر معاصر عرب، تا ۱۹۶۹ و شاید هم ۱۹۶۸، طرحی که نویسنده ارائه داده است بسیار دقیق و جامع به نظر می رسد، اما بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۸ نعر عرب تغییراتی کرده که خود موضوع مقاله ای جداگانه است. بخصوص شاخه شعر فلسطین و ادبیات فلسطینی. مترجم.

پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله دانش و ادبیات

اصول و روش ترجمه

یوجین. آ. نایدا

ترجمه

فریدون بدره ای

ترجمه کتاب مقدس به سبب طول سنت، حجم کار، و تنوع مشکلات و مسائل از ترجمه کتب

* این مقاله از کتاب در باره ترجمه به فارسی برگردانیده شده است و نام و نشان مقال و آن کتاب چنین است :

Nida, Eugene A. «Principles of translation as exemplified by Bible translating», in On Translation, edited by Reuben A. Brown. New York, Oxford University press, 1966.